

تسهیلات به بانک‌ها محول شود. ولی در کشورهای دیگر نیز مثلاً تسهیلات مسکن پرداخت می‌شود. تسهیلات یکی از ابزارهای حمایتی از اقشار مردم است.

بله، قطعاً باید از دهک‌های متوسط و پایین حمایت‌های مختلفی صورت بگیرد. به خاطر بحران جمعیتی که داریم پرداخت تسهیلات فرزندآوری ضروری است. اما امنیت کشور از هر چیزی ضروری‌تر است. تسهیلات حمایتی باید از محل منابع دولت پرداخت شود نه از سپرده‌های مردم. دولت همیشه بیشتر از درآمدش هزینه می‌کند و این دولت را به ورشکستگی نزدیک می‌کند. صحبت این نیست که مسکن، فرزندآوری، ازدواج نیازی به تسهیلات ندارند، نه حتماً هم نیاز دارند ولی آیا مردم باید هزینه این امر را بپردازند؟ سپرده‌گذاران بانکی باید تسهیلات بانکی را متقبل شود؟ خیر. دولت باید از منابع و درآمدهای خود نیازهای مردم را برآورده کند نه اینکه به بانک‌ها تکلیف شود. تسهیلات

این مشکل و جلوگیری از افزایش ناترازی راه‌حل چیست؟

فرض کنید راهکار وجود دارد اما تا زمانی که بانک مرکزی استقلال ندارد راهکارها کارایی ندارند. مسئول اداره بانک‌ها بانک مرکزی است. بانک مرکزی قوانین و مقررات خوبی دارد مثل همین قانون کفایت سرمایه، قانون منع بانک‌ها از خرید املاک و... قانون پولی بانکی کشور می‌گوید هر بانک فقط می‌تواند معادل یک سوم یا ۳۰ درصد سرمایه خود را در بخش املاک مانند خرید شعبه... اختصاص دهد ولی این بند قانونی سال‌ها رعایت نشده است. قدرتی مافوق بانک‌ها برای اجرای قوانین لازم است. این قدرت در دست بانک مرکزی است اما بانک مرکزی قدرت سیاسی و اقتصادی کافی برای اجرای قوانین را ندارد چون رئیس بانک مرکزی توسط رئیس جمهوری منصوب می‌شود. در بسیاری از کشورها برای اینکه استقلال بانک مرکزی تأمین شود اجازه نمی‌دهند دولت رئیس

بانک مرکزی را عزل و نصب کند. اگر رئیس بانک مرکزی مرتکب خلاف شود بر اساس رویه‌های قانونی و قضایی برخورد می‌شود اما رئیس جمهوری نمی‌تواند با یک حکم رئیس بانک مرکزی را عوض کند. اگر رئیس بانک مرکزی به این سادگی عزل و نصب شود طبعاً دستورات مافوق خود را اجرا می‌کند ولو اینکه دستورات به صلاح نظام بانکی نباشد.

ناترازی بانک‌ها و تورم از طریق افزایش نقدینگی تشدید شده است. بانک مرکزی به دولت اجازه اضافه برداشت از این بانک یا بانک‌های دیگر را برای تأمین کسری بودجه و تأمین هزینه‌ها داده است. به عبارتی بانک مرکزی فساد داخل سیستم بانکی را تغذیه می‌کند. اگر بانک مرکزی می‌توانست جلوی ناترازی بانک‌ها را بگیرد و به دولت اجازه نمی‌داد وقتی پول ندارند از بانک مرکزی استفاده کنند، این اوضاع ایجاد نمی‌شد. بانک مرکزی ضعیف بازچرخه سیاست‌گذاران شده و بانک مرکزی مستقل از امور سیاسی نداریم. بانک مرکزی که فقط به اقتصاد کشور و مصالح و منافع سپرده‌گذاران بپردازد نداریم.

اگر با همین روند پیش برویم چه اتفاقاتی در انتظار سیستم بانکی و بخشی پولی مالی است؟

همان ماجرای مؤسسات اعتباری تکرار خواهد شد. الان ما بانکی داریم که حجم سپرده‌های بانکی‌اش در میان بانک‌های کشور رتبه دوم یا سوم را داشت. این حجم سپرده‌ها، خرج املاکی شد که سهامدار اصلی آن همان سهامداران بانک هستند. الان بانک نمی‌تواند مطالبات مردم را پرداخت کند چون امکان فروش املاک گرانقیمت را در زمان کوتاه ندارد. این یعنی ایجاد تورم، تورم یعنی برداشت پول از جیب مردم فقیر و پرداخت آن به ثروتمندان، تورم بالای خانمانسوز در کشور است. وقتی تورم ۴۰ درصدی دارید یعنی اجاره خانه سالانه ۴۰ درصد اضافه می‌شود و این فقط در مورد اجاره و مسکن صدق نمی‌کند. افرادی که دارای ملک و ارز و سهام و دارایی‌های بزرگ هستند از این تورم بهره‌مند می‌شوند و کارگران، کارمندان و افراد با حقوق ثابت روز به روز فقیرتر می‌شوند.

بانک مرکزی ابزار دولت است. برای اصلاح بانک مرکزی، باید خود دولت اصلاح شود. اگر کل مجموعه حاکمیت تصمیم بگیرد که هزینه‌های خود را کاهش دهد نصف مشکلات حل می‌شود. هرگاه درآمدهای موهومی را در بودجه تصویب می‌کنید مشخص است که این درآمدها تحقق پیدا نمی‌کند. مثلاً بودجه سازمانی در عرض سه سال ۱۲ برابر شده است. دولت این پول را چگونه تأمین می‌کند؟ آیا درآمد دولت ۱۲ برابر شده است؟ در شرایط رکود اقتصادی درآمد دولت می‌تواند جوابگوی این هزینه‌ها باشد؟



تکلیفی به ناترازی و به ورشکستگی بانک‌ها منجر می‌شود.



ناترازی بانک‌ها و تورم از طریق افزایش نقدینگی تشدید شده است. بانک مرکزی به دولت اجازه اضافه برداشت از این بانک یا بانک‌های دیگر را برای تأمین کسری بودجه و تأمین هزینه‌ها داده است. به عبارتی بانک مرکزی فساد داخل سیستم بانکی را تغذیه می‌کند

اما آمار می‌گوید بانک‌ها بیشترین تسهیلات را به شرکت‌های وابسته به خود پرداخت کرده‌اند و وارد بنگاه‌داری شده‌اند. درست است؟

بله دقیقاً. چون بانک دولتی خود را نماینده مردم می‌داند بنابراین عنوان فساد به این عملکرد قلمداد نمی‌شود. بانک‌های خصوصی هم سپرده مردم را به سهامداران خصوصی خود و شرکت‌های وابسته می‌دهند که این قطعاً فساد است و نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد.

به ناترازی منابع بانکی و مشکلاتی که به این خاطر بوجود آمده اشاره کردید. برای